

۱۹ - بداء وافتتان و امتحان

از حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "و بعد از مدت‌ها چند مرتبه وعده انزال نصر باصحاب خود فرمودند و در هر مرتبه بداء شد و بعضی از آن اصحاب معدوده بعثت ظهور بداء اعراض مینمودند تا آنکه باقی نماند از برای آنحضرت مگر چهل نفس و یا هفتاد و دو نفس ... و تصدیق نمائید که امتحانات الهیه همیشه در مابین عباد او بوده و خواهد بود تا نور از ظلمت و صدق از کذب و حق از باطل و هدایت از ضلالت و سعادت از شقاوت و خار از گل ممتاز و معلوم شود چنانچه فرموده الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون."

و از حضرت عبدالمجید است قوله العزیز: "اینها المنشرحه الصدر بانوار الملکوت اعلی انّ الحکمة الالهیه اقتضت ظهور الامتحان و الافتتان فی عالم الامکان و لا یکاد یتّم امر فی الوجود من غنّه و ثمینه و حقیره و خطیره الا بالامتحان فلو کان ابواب الراحة و الغنی مفتوحه علی وجه حواری المسیح من این کان یظهر خلوص پطرس الحواری من خبائثه یهودا الاسخر یوطی انما ظهر فضائل الاول و رزائل الثانی بسبب الامتحان و الافتتان فهذا من جملة حکم ظهور الامتحان فی عالم الانسان و قوله العزیز امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جبان بترسد و بلرزد و بجزع و فزع افتد و همچنین تلمیذ ماهر دروس و علوم خویش را بنهایت مهارت تتبع و حفظ نماید و در روز امتحان در حضور استادان در نهایت شادمانی جلوه نماید و همچنین ذهب خالص در آتش امتحان با روی شکفته جلوه نماید پس واضح شد که امتحان از برای نفوس مقدّسه موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفه بلای ناگهان."

*****حاشیه*****

در قرآن در سوره قتال است قوله تعالی: "ولنبلونکم حتّی تعلم المجاهدین منکم و الصابرین و نبلو اخیارکم."

و در کتاب کافی در باب البداء از حضرت صادق است . ما بعث الله نبیا حتی یاخذ علیه ثلاث خصال الاقرار له بالعبودية و خلع الانداد و ان الله یقدم ما یشاء و يؤخّر ما یشاء

و در تورات است . تارة اتکلم علی امه و علی مملکه بالقلع و الهدم و الاهلاک فترجع تلك الامة التي تکلمت علیها عن شرّها فاندم عن الشرّ الذی قصدت لمن اضع بها و تاره اتکلم علی امه و علی مملکه بالبناء و الغرس فتفعل الشرفی عینی فلا تسمع لصوتی فاندم عن الخیر الذی قلت انی احسن الیها به.

و در کتاب مجمع البحرین است . و قد تكثرت الاحاديث من الفريقين في البداء مثل اعظم الله بمثل البدا و قوله ما بعث الله نبيا حتى يقوله بالبدا و في حديث صادق ما بد الله في شئى كما بد الله في اسمعيل ابني. از مواضع بدا در قديم و جديد و قرآن قصه ذبح اسحق يا اسمعيل در غايت شهرت است و از مواضع آن در دوره حضرت رسول آيه قرآنيه و ما جعلنا الرؤيا التي اريناك الا فتنه للناس و شان نزول آن نيز كمال شهرت دارد و بداء مذکور در حق اسمعيل بن جعفر در آثار اين امر نيز مذکور است و در كتاب بيان عقیده بداء از ارکان ايمان ثبت گرديد و مواضع كثيره از بداء در دوره اين امر بداء در قيام بمکه يا ظهر كوفه در دوره حضرت نقطه يا بداء در حق محمد علي شاه در دوره حضرت عبدالههء در تاريخ اين امر ثبت ميباشد.